

فرهنگ یادگیری و یادگیری فرهنگی

علی اصغر یزدان بخش

مدیر فرهنگی موسسه آموزش عالی بینالود مشهد، ایران

استاد مدعو دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

ali.yazdanbakhsh@mail.um.ac.ir

چکیده

در رابطه با واژه «فرهنگ» تعاریف گوناگونی صورت گرفته که اجمالاً می توان آن را مجموعه ای از دانشها، باورها، هنر، قوانین، اخلاق، آداب و رسوم و سایر قابلیتها و عاداتهایی دانست که انسان به عنوان عضو جامعه آنها را فرا می گیرد، فرهنگ با پدیده های گوناگون در تعامل بوده واز آنها تأثیر و تأثر می پذیرد که از جمله آنها «یادگیری» است، یادگیری آداب و رسوم و قواعد و سبک هایی وبه عبارت بهتر فرهنگی دارد که برای رسیدن به نتیجه مطلوب، این «فرهنگ یادگیری» باید مورد توجه قرار گیرد، از طرف دیگر فرهنگ دارای مؤلفه ها وعناصری است که می بایست بر یادگیری سابه افکند، و «یادگیری فرهنگی» را بوجود آورد، اینکه یادگیری چگونه، کجا، از چه چیز و... باشد؟ عواملی هستند که موجب تعالی یادگیری و اعتلای آن وبا فرهنگ شدن آن می شوند.

این مقاله با روش مطالعه، توصیفی تحلیلی شکل گرفته و با تحقیقات کتابخانه ای، نقش و تأثیر متقابل فرهنگ و یادگیری را در یکدیگر مورد بررسی و تحلیل و تبیین قرار می دهد.

با توجه به مباحث مطرح شده در این مقاله، می توان اذعان کرد، یادگیری باید مبتنی بر مباحث نظری و بنیادین فرهنگی بوده و از غنای فرهنگی برخوردار باشد، هر چند پیچیدگی و درهم تنیدگی دو واژه فرهنگ و یادگیری به اندازه ای است که می توان جدا کردن وتفکیک آن دو را بسیار سخت و دشوار دانست ولی بی تردید هرچه این دو تعامل بیشتری با یکدیگر داشته باشند اهداف متعالی و برتری بدست آمده و به غایت فرهنگ یادگیری یعنی یادگیری فرهنگی نزدیک شده ایم.

کلمات کلیدی: فرهنگ، یادگیری، فرهنگ یادگیری، یادگیری فرهنگی.

7 MAY 2018

Qom University



The 4th International Congress
of Religious Culture and Thought

Culture of learning and cultural learning

Ali Asghar Yazdanbakhsh

Cultural director of Binalud Institute of Higher Education

Mashhad, Iran

Master invited, Ferdowsi University of Mashhad, Iran

ali.yazdanbakhsh@mail.um.ac.ir

Abstract:

In terms of the term "culture", there are various definitions that can be summarized as a set of knowledge, beliefs, arts, rules, ethics, customs, and other abilities and habits that human beings learn as members of the community. Culture has interacted with and influenced by various phenomena, including "learning," learning customs, rules and styles, and in other words, a culture that, in order to achieve the desired outcome, this "learning culture" should be considered. On the other hand, culture has components and elements that should shadow learning, and create "cultural learning," how to learn how, where, what, and so on? The factors that contribute to the excellence of learning and its enhancement and its cultivation.

This article is based on a descriptive-analytic study method and explores and analyzes the role and effect of culture and learning in each other through library research.

Considering the issues discussed in this paper, it can be admitted that learning should be based on theoretical and fundamental cultural issues and cultural richness, and the more these two interact with each other, the goals achieved will be transcendental and the future. Although the complexity and interconnection of these two words are such that they can be separated and their difficulty is difficult to understand and we are finally approaching the culture of learning - cultural learning.

Keywords: Culture, learning, learning culture, cultural learning.

1- مقدمه

موفقیت یک کشور در زمینه های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی در گرو برخورداری از یک نظام آموزشی منسجم و پویا است. در حوزه ی آموزش و پرورش با توجه به سطح انتظارات مردم و از طرفی تغییرات سریع به وجود آمده در عرصه های گوناگون جامعه، ضرورت بازنگری در فرایند آموزش و پرورش با توجه بیشتر به اسناد بالا دستی منبعت از مبانی نظری و در یک کلام؛ فرهنگ را دو چندان می سازد.

گروهی از روان شناسان، یادگیری را نه فقط پردازش اطلاعات در ذهن، بلکه نوعی «فرهنگ پذیری» می دانند و معتقدند هنگامی که فرد شروع به یادگیری در یک محیط خاص می کند، در حقیقت رفتارها و نظام اعتقادی اعضاء فرهنگی که با آنها تعامل مینماید را اخذ می کند. بنابراین آموخته های وی را خارج از محیطی که در آن دانش را کسب نموده است، نمی توان فهم و تفسیر نمود. آنها از همین منظر به انتقاد از مدارس فعلی پرداخته و معتقدند آنچه که در مدارس به دانش آموزان عرضه می شود، نوعی دانش بافت زدایی شده و ناقص می باشد، در حالیکه دانش همچون ماده ای نیست که بتوان آن را در نقطه ای تولید کرد، سپس بسته بندی نمود و آن را برای ارائه به نقطه ای دیگر انتقال داد. بلکه از تعامل بین فرد و فرهنگ است که دانش شکل گرفته و معنا می یابد. بدین ترتیب جایگاه دانش را نمی توان تنها ذهن اشخاص دانست، بلکه برای ردیابی آن باید به محیط، فرهنگ و حتی ابزار و مصنوعات فرهنگی نیز مراجعه کرد.

روشهای تدریس و یادگیری که برای محصلان دارای فرهنگ خاص مؤثر است ممکن است برای متعلمان و محصلان دارای فرهنگ دیگر مفید نباشد. این امر ایجاب میکند تا معلمان با روشهای متعددی آشنا شوند و برای گروه های متفاوت روشهای تدریس و یادگیری مناسبی را به کار گیرند و این زمانی اهمیت بیشتری می یابد که بافت فرهنگی و قومیتی گستردگی بیشتری داشته باشند که بخصوص در جامعه ایرانی صدق میکند.

هر جامعه ای دارای فرهنگ خاصی است که آن را از دیگر فرهنگ ها متمایز می سازد، زیرا فرهنگ های مختلف، هر یک، الگوهای رفتاری، ارزشها و قوانین خاص خود را دارند. بسیار دیده میشود که فرهنگهای گوناگون برای یک مقوله ی مشترک، قوانین و ارزشهای مختلفی را تعریف کرده اند. همچنین مردم فرهنگهای مختلف، معانی متفاوتی را از یک رخداد مشابه استنباط می کنند. بنابراین یک رفتار ممکن است به دلیل نحوه ی عمل در جوامع گوناگون معانی مختلفی داشته باشد و بحث از تفاوتهای فرهنگی را به میان آورد (محسنی، 1388: 209).

وجود تفاوت های فرهنگی به عنوان یک واقعیت مهم در اغلب جوامع و الزامات و ضرورتهای پیش رو در مواجهه با این مقوله، برنامه ریزان و کارگزاران تعلیم و تربیت را بر آن داشت تا بیش از پیش به این مسئله توجه نمایند، زیرا آموزش، یادگیری و پرورش در هر جامعه ای با فرهنگ ارتباطی تنگاتنگ و متقابل دارند. بدین معنی که از یکسو فرهنگ را محصول آموزش قلمداد نموده اند و از سوی دیگر فرایند آموزش را متأثر از نظام معنایی، ارزشها و هنجارهای (یا همان فرهنگ) موجود در یک جامعه تصور کرده اند (برونر، 1996، نقل در فاضلی، 1390). به همین دلیل است که هر فرهنگی، نظام آموزشی متناسب خود را تحقق می بخشد و هر نوع یادگیری و آموزشی نیز مبتنی بر فرهنگی خاص است.

2- تعریف فرهنگ، یادگیری

1-2 فرهنگ Culture

در لغت نامه دهخدا در تعریف «فرهنگ» آمده است که این واژه مرکب از «فر» که پیشاوند است و «هنگ» که از ریشه «تنگ» اوستایی به معنی کشیدن و فرهیختن و فرهنگ هر دو مطابق است با ریشه ادوکا وادور در لاتینی که به معنی کشیدن و نیز به معنی تعلیم و تربیت است.

واژه Culture در زبان انگلیسی به معنای فرهنگ و مجازاً از مفهوم کشت و زرع گرفته شده است. اما این مفهوم در قرن هجدهم به معنی پرورش روانی و معنوی به کار برده شد و به عنوان عامل پیشرفت فکری - اجتماعی انسان و جامعه تلقی گردید (وٹوقی و نیک خلق، 1378: 52). تایلور مردم شناس انگلیسی نخستین کسی بود که اصطلاح فرهنگ را مورد استفاده قرار داد. از دیدگاه او، فرهنگ مجموعه پیچیده ای شامل: دانشها، باورها، هنر، قوانین، اخلاق آداب و رسوم و دیگر قابلیتها و عاداتی است که انسان به عنوان عضو جامعه آنها را فرا میگیرد (رنجبر و ستوده، 1383: 21) تایلور می گوید: فرهنگ به مجموعه ای آموخته شده از شناخت، باور، هنر، اخلاقیات، حقوق و عرف اشاره می کند، این تعریف به طور ضمنی فرهنگ و تمدن را یکی می داند (مارشال، 1388: 249).

2-2 یادگیری (Learning)

ایجاد دانش، مهارت و نگرش جدید ناشی از تعامل فرد با اطلاعات و محیط از تعریف های یادگیری است، در رابطه با یادگیری و سبک های یادگیری می توان گفت: مردم عادی و بسیاری از معلمان، یادگیری را کسب اطلاعات، معلومات و مهارت ها می دانند. این مفهوم با آنچه عده کثیری از افراد درباره تعلیم و تربیت در ذهن دارند موافق است. در این نوع نگاه به یادگیری، معلم مسئول انتقال اطلاعات و مطالب درسی است و دانش آموز هم دریافت کننده این اطلاعات، در واقع معلم مسئول اصلی و محوری آموزش و دانش آموز به عنوان عنصری منفعل در نظر گرفته می شود.

جان دیویی معتقد است تعلیم و تربیت، دوبار ساختن یا تجدید نظر در تجربیات و تشکیل مجدد آنها به منظور رشد بیشتر است. به نظر او فرد در برخورد با محیط تجربیات تازه ای کسب می کند. یعنی با افکار، عقاید، عادات، تمایلات و اعمال تازه روبرو می شود، برای اینکه رشد او ادامه یابد و در مسیر تعالی قرار بگیرد (شریعتمداری، 1369: 316-315). کیمبل معتقد است: یادگیری عبارت است از فرایند ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار یا توان رفتاری که حاصل تجربه است و نمی توان آن را به حالت های موقتی بدن مانند آنچه بر اثر بیماری، خستگی یا داروها پدید می آید نسبت داد. تجربه مورد نظر ناشی از تأثیر و تأثر متقابل فرد با محیط است و منظور از محیط، عواملی است که خارج از فرد وجود دارد. (کیمبل، 1961) نقل در (شعاری نژاد، 1375)

3- فرهنگ یادگیری

به رغم گام های بلندی که در رابطه با اهمیت فرهنگ و ارتباط وثیق آن با یادگیری برداشته شده است کماکان می توان ادعا کرد که به طور شایسته و بایسته به این ارتباط پرداخته نشده است، بدون تردید اصالت با فرهنگ است که گستره عامی بر همه امور دارد.

از طرف دیگر اهمیت پرداختن به یادگیری و عوامل موثر در آن امری اجتناب ناپذیر است و تداوم و گسترش موقعیت های تدریس و یادگیری مناسب برای هر کشور، مرتبط به راه و روشها و سبک های تدریس و یادگیری است که در میان فرهنگهای متفاوت وجود دارد. رابطه میان سبکهای تدریس و یادگیری و فرهنگها مدتهاست که مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. گروهی معتقدند سبکهای یادگیری در مقابل محیط و فرهنگ خنثی هستند به گونه ای که هر یک از سبکهای تدریس و یادگیری را می توان بطور موفقیت آمیزی استفاده کرد اما اگر همان سبک به طور نامناسب و یا بسیار زیاد استفاده شود می تواند یک مانع باشد.

و در مقابل گروهی دیگر عقیده دارند اگر تصمیمات آموزشی بر اساس درکی از فرهنگ هر شخص و راههای یادگیری باشد هرگز به این فکر نمی کنیم که اعمال یکسان باید برای همه مؤثر و کارا باشد. در نتیجه فرصت عادلانه برای موفقیت، نیاز به روش های آموزشی نابرابر دارد که به تفاوت های مربوطه میان دانش آموزان پاسخ دهد.

در نقطه مقابل این دیدگاه، گروهی از محققان ترجیح میدهند بر روی اثر محیط تمرکز کنند. پیروان نظریه یادگیری تجربی (جان دیویی، ویلیام جیمز، پائلو فریره و...) جزء طرفداران این دیدگاه هستند.

آنها بر این نکته تأکید میکند که سبک یادگیری، خصوصیتی روانشناختی نیست بلکه حالتی پویا است که نشأت گرفته از تعاملات همکوشی میان شخص و محیط است. ثبات و دوام این حالات پویا نه تنها بستگی به خصوصیات ژنتیکی افراد، بلکه به نیازهای محیطی که در آن هستند نیز دارد. شیوه پردازش تک تک وقایع تعیین کننده گزینش ها و تصمیمات ماست که به نوبه خود مشخص کننده وقایع آینده ای است که در آنها زندگی می کنیم محیطی که این فرایند خودسازی در آن رخ میدهد توسط تأثیر گسترده فرهنگ شکل میگیرد (کلب و جوی، 2009 نقل در آیتی و خوش دامن، 1391: 4)

متمایز بودن نظام های آموزشی و تفاوت های فرهنگی در خرده فرهنگ ها و حتی درون مدرسه نیز وجود دارد، زیرا خرده فرهنگ های دانش آموزان یک کلاس با یکدیگر و با فرهنگ معلم در تقابل قرار میگیرند و در اثر این روابط، شرایطی پیش میآید که معمولاً به نفع تعداد اندک و به زیان اکثریت دانش آموزان است. به نظر جامعه شناسان آموزش و پرورش، آموزش از این نوع، تابع نظامی «تک فرهنگی» است که در آن به دلیل طراحی برنامه درسی بر مبنای خرده فرهنگی خاص، کلیه دانش آموزانی که به خرده فرهنگهای دیگر تعلق دارند و از الگوهای رفتاری متفاوتی پیروی می کنند، در موضع ضعف قرار می گیرند و شانس چندانی برای موفقیت در مدرسه و کلاس درس پیدا نمی کنند. یکی از راه های حل این مشکل، به کارگیری آموزش و برنامه درسی چندفرهنگی در نظام های آموزشی است (جوادی، 1379: 9).

بنابراین طراحی برنامه های درسی حساس به فرهنگ و پاسخگو به ویژگی های چندفرهنگی از جمله رسالت های نظام آموزش و پرورش در این زمینه است (صادقی، 1389: 191)، زیرا اینگونه برنامه های درسی مفاهیم اساسی خود را از فرهنگ و اندیشه های غالب در هر جامعه میگیرند و در بستر فرهنگی و اجتماعی آنها به بار می نشینند (فاضلی، 1391: 23) طبق رویکرد محاسباتی به آموزش و یادگیری، یادگیری همان پردازش اطلاعات در ذهن است. در حالی که در رویکرد فرهنگی، مناسبات فرهنگی هر جامعه و به قول برونر داستانهای فرهنگی، زمینه تفسیر و فهم پیچیدگی های جامعه را فراهم میکنند و موجب یادگیری میشوند. (فاضلی، 1391: 39).

دیدگاهی که برونر انتخاب و به نحو دقیق به تشریح آن می پردازد، فرهنگ گرایی است. زیرا رویکردها و روشهای آموزشی و تربیتی بدون توجه به موقعیت فرهنگی و اجتماعی در عمل ناکارآمدی هایی را برای نظام آموزشی به بار می آورد. (آیتی و خوش دامن، 1391: 6)

4- یادگیری فرهنگی

یادگیری ها باید مبتنی بر فرهنگ باشند نه با هر شیوه ای و درحالی که پیش بیاید، وبنابراین می توان گفت نظریه های آموزش و یادگیری مفاهیم اساسی خود را از فرهنگ و اندیشه های غالب در هر جامعه می گیرند و در بستر فرهنگی و اجتماعی آنها به بار می نشینند. بنابراین میزان اثربخشی نظریه های آموزش و یادگیری، تنها با بررسی آنها در بستر فرهنگی - اجتماعی جامعه ای که در آن مورد استفاده قرار می گیرند امکان پذیر می باشد. (آیتی و خوش دامن، 1391: 3) پژوهشگران معتقدند که سبکهای یادگیری کارکردی متأثر از طبیعت و پرورش هستند. نیز در این زمینه معتقدند فرهنگ یک کشور می تواند یکی از عوامل قدرتمند اجتماعی شدن باشد که تأثیر شگرفی بر رشد و توسعه ی سبکهای یادگیری دارد. (نقل در آیتی و خوش دامن، 1391: 5)

مبنای مطالعه ارتباط فرهنگ و یادگیری، برگرفته از رشته انسان شناسی و رشته مطالعات اجتماعی - فرهنگی برخاسته از نظریه ویگوتسکی است. ویگوتسکی، در اوایل دهه 1920، در پاسخ به مطالعه برنامه ای پیاژه در ارائه قالبها و مراحل استدلال و تفکر، اظهار داشت موضع مطالعات یادگیری باید در زمینه تاریخی و فرهنگی یادگیرنده باشد نه در حوزه جهان طبیعی او (Kumpulainen, K.& Renshaw, 2007: 111) پژوهشهای قوم نگاران در حوزه یادگیری نیز در دهه 1970، 1980 و از زمانی آغاز شد که این پژوهشگران رویکرد خود از فردگرایی و تبیین نشانه شناختی موفقیت و شکست یادگیری به شناخت شباهت ها و تفاوت های فرهنگی میان خانه و محیط آموزشی تغییر دادند و فرهنگ را به عنوان متغیر مستقل مؤثر بر یادگیری مورد شناسایی قرار دادند. فرهنگ در این دیدگاه یک منبع واقع شدنی از دانش و تجربه بود که یادگیرندگان برای درک جهان اجتماعی و مادی خود و مشارکت در این جهان آن را بکار می بردند .

همزمان با حوزه انسان شناسی در دهه 1980، در حوزه روان شناسی فرهنگی نیز نظریه «شناخت موقعیتی» به عنوان واکنشی به نظریه پردازش اطلاعات پا به عرصه ظهور نهاد، علاوه بر حوزه های انسان شناسی، جامعه شناسی و روان شناسی فرهنگی و گسترش شواهد تأثیر فرهنگ بر یادگیری در دهه 1980-1990، این مبحث به حوزه تعلیم و تربیت هم کشانده شد و موجب گردید متخصصان تعلیم و تربیت نظیر کول، ورچ و برونر، فرایند یادگیری را به عنوان کارآموزی فرهنگی در تجارب اجتماعی، تفکر را به عنوان فرایند محاوره ای تسهیل شده از طریق ابزارهای فرهنگی و فرایندهای اجتماعی و فرهنگ را به عنوان شیوه مشترک زندگی در اجتماعاتی که از طریق بکارگیری ابزارهای فرهنگی، فناوریها، مصنوعات و مفاهیم به طور مستمر بازسازی می شود، تلقی کنند. (Kumpulainen, K.& Renshaw, 2007 : 112-11)

می توان گفت نظریه های آموزش و یادگیری مفاهیم اساسی خود را از فرهنگ و اندیشه های غالب در هر جامعه می گیرند و در بستر فرهنگی و اجتماعی آنها به بار می نشینند. بنابراین میزان اثربخشی نظریه های آموزش و یادگیری، تنها با بررسی آنها در بستر فرهنگی - اجتماعی جامعه ای که در آن مورد استفاده قرار می گیرند امکان پذیر می باشد. (آیتی و خوش دامن 1391: 3)

بنا بر این افراد، به شیوه های متفاوتی اطلاعات و تجارب را ادراک، سازمان بندی، تحلیل و پردازش می کنند؛ یعنی افراد نگاه یکسان به جهان ندارند. به همین دلیل هر فرد در مقایسه با دیگر افراد، علایق و تمایلات متفاوتی در چگونگی یادگیری دارد. در واقع از یک دید جزئی می توان معتقد بود که افراد یک کلاس، یک نظام آموزشی و حتی یک جامعه که از یک فرهنگ مشترک برخوردار هستند دارای شیوه های یادگیری یکسان هستند. تجربیات اولیه زندگی اشخاص و ارزشهای فرهنگ آنان نه تنها بر انتظارات آنان، بلکه بر فرایندهای یادگیری آنها نیز تأثیر می گذارد.

5. نتیجه

«فرهنگ» با پدیده های گوناگون جامعه در تأثیر و تأثر است و «یادگیری» نیز یکی از این عوامل است، یادگیری آداب و رسوم و قواعدی دارد که می توان آن را «فرهنگ یادگیری» نامید، و از طرف دیگر یادگیری نیز شایسته است مبتنی بر اهداف و غایات و مبانی فرهنگی و به عبارت دیگر «یادگیری فرهنگی» باشد.

در محیط های یادگیری، معلمان و فراگیران با باورها، علایق و انگیزه های متفاوتی به کلاس درس می آیند. باورها و انگیزه های آنان در فرایند آموزش و یادگیری تأثیر شگرفی دارند و فعالیتهای آموزشی کلاس درس را تا حدود زیادی تحت تأثیر خود قرار می دهند. با توجه به مباحث مطرح شده در این مقاله، می توان ادعان کرد، نتایج یافته های پژوهشی دخالت عوامل فرهنگی را در چگونگی یادگیری و سرعت آن و ... امری مسلم و بدون تردید می دانند بنابراین بهتراست یادگیری مبتنی بر مباحث نظری و بنیادین فرهنگی بوده و از غنای فرهنگی برخوردار باشد، با نگرش و رویکردی فرهنگی باید یادگیری و آموزش را با توجه به زمینه های اجتماعی و فرهنگی که در آن اجرا می شود در نظر گرفت و ضروری است در تمامی مراحل و حتی مقدمات یادگیری و آموزش، به فرهنگ و مبانی نظری آن و عوامل مؤثر در آن توجه کامل نمود.

امروزه با آسیب ها و آفات زیادی در زمینه یادگیری و آموزش در سطح جامعه روبرو هستیم، بسیاری از یادگیری ها و آموزش ها، نه تنها یادگیری هایی غیر ضروری بلکه زیان بار هستند و اهدافی غیر متعالی را دنبال می کنند، اهدافی از اقتصادی و سیاسی گرفته تا شیطانی، و اینجا است که اثبات می شود هرچه تعامل یادگیری با فرهنگ بیشتر و افزون تر باشد اهداف بدست آمده متعالی و برتر خواهند بود، هر چند پیچیدگی و درهم تنیدگی این دو واژه به اندازه ای است که می توان جدا کردن و تفکیک آن دو را بسیار سخت و دشوار دانست.

5. مراجع

- آیتی؛ محسن و خوش دامن؛ صدیقه، فرهنگ، برنامه درسی و سبک های تدریس و یادگیری، فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، 1391، سال هفتم، شماره 26.
- جوادی، محمدجعفر، آموزش چند فرهنگی به مثابه رویکردی در آموزش. فصلنامه تعلیم و تربیت، 1379، ش 63، 9-26
- رنجبر؛ محمود و ستوده؛ هدایت الله، 1383، مردم شناسی با تکیه بر فرهنگ مردم ایران، تهران، ندای آریانا.
- شریعتمداری، علی، 1369، روان شناسی تربیتی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- شعاری نژاد، علی اکبر، 1375، مبانی روان شناختی تربیت، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فاضلی، نعمت الله، 1391، مردم نگاری آموزش، تهران، انتشارات علمی.
- محسنی، منوچهر، 1388، جامعه شناسی عمومی، تهران، طهوری.
- وثوقی؛ منصور و نیک خلق، علی اکبر، 1378، مبانی جامعه شناسی، تهران، بهینه.
- Simy joy. & Kolb. David(2009). Are there cultural differences in learning style. International journal of intercultural Relations, 33, 69-85.
- Kumpulainen, K.& Renshaw, P. (2007). Cultures of learning. International journal of Educational Research. 46, 109-115.